

منابع فرهنگی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران؛

(مطالعه موردی سند چشم‌انداز ۱۴۰۴)

حسین رفیع*
سید محمدجواد قربی**
حسین دانش***

چکیده

این مقاله با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کیفی در پی بررسی منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در سند چشم‌انداز می‌باشد و این سند از حیث منابع فرهنگی تأثیرگذار بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی و مذاقه قرار گرفته است. یافته‌های مقاله حاکی از آن است که سند چشم‌انداز از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های مطلوبی در راستای تقویت قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی برخوردار است و منابع فرهنگی تولید کننده قدرت نرم در سند چشم‌انداز شامل مؤلفه‌هایی نظیر؛ جامعه اخلاقی، هویت اسلامی و انقلابی، هنجارسازی، اسوه‌ها و الگوها، نهاد مستحکم خانواده، ارزش‌های اسلامی، علم و دانش، تقویت سامان دفاعی با رویکرد فرهنگی، الهام‌بخشی فرهنگی و غیره می‌شود. تقویت مؤلفه‌های فوق می‌تواند قدرت نرم جامعه ایرانی را ارتقا بخشد.

واژگان کلیدی

قدرت نرم، سند چشم‌انداز بیست ساله، جامعه اخلاقی، ارزش، هویت اسلامی، سامان دفاعی.

مقدمه

با ظهور فناوری‌های اطلاعاتی و گسترش ابزارهای ارتباط جمعی، مفهومی به نام قدرت نرم به ادبیات

h.rafie@umz.ac.ir

ghorbi68@yahoo.com

hossein.danesh1368@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۳/۶/۲

*. استادیار دانشگاه مازندران.

** کارشناس ارشد اندیشه سیاسی اسلام.

*** کارشناس ارشد فقه و حقوق اسلامی.

تاریخ دریافت: ۹۳/۳/۲۵

استراتژیک راه یافته است (پوراحمدی و عزیزی، ۱۳۹۱: ۱۰) و در عین حال، قدرت‌های بزرگ جهانی و منطقه‌ای در پی کنترل و مدیریت مناطق استراتژیک جهان با ابزارهای نرم‌افزارانه و قدرت نرم برای دستیابی به اهداف خویش هستند. (هرسیج و دیگران، ۱۳۹۱: ۷۹) این عمل به وسیله بهره‌گیری از فرهنگ، مؤلفه‌های سیاسی و حتی سیاست‌های اقتصادی صورت می‌گیرد و زمانی که برای سیاست‌های اتخاذ شده، مشروعیت ایجاد شود، قدرت نرم تولید می‌شود و بدون هزینه‌های مبتنی بر امتیاز و اجبار، دیگران وادار به انجام کارهایی می‌شوند که بازیگر میزبان اراده کرده است. (افتخاری و بیکی، ۱۳۸۹: ۱۵۲)

با این اوصاف، توجه به قدرت نرم، لوازم کاربردی آن، سیاستگذاری‌های نرم‌افزارانه و تدابیر مناسب در حوزه قدرت نرم برای کشورها در راستای دستیابی به اهداف نیز حائز اهمیت می‌باشد و جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از کشورهای قدرتمند در سطح منطقه خاورمیانه و جهان اسلام، برای دستیابی به قدرت برتر منطقه‌ای نیازمند دستیابی به توانمندی نرم‌افزاری و قدرت نرم می‌باشد. از این‌رو، شناسایی منابع قدرت نرم یکی از ضرورت‌های پیش روی نظام سیاسی در عصر حاضر است که بی‌توجهی نسبت به آن، زمینه‌های زوال قدرت ملی را به همراه خواهد داشت.

به همین دلیل، مقاله حاضر سعی دارد به این سؤال پاسخ دهد که منابع فرهنگی قدرت نرم جامعه ایرانی در سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران کدامند؟ برای دستیابی به پاسخ سؤالات مقاله از روش تحلیل محتوای کیفی و مطالعات کتابخانه‌ای استفاده گردید. به این معنا که، سعی گردید ویژگی خاص پیام‌ها به طور نظام یافته در متن سند چشم‌انداز شناسایی شوند و به جای تمرکز بر محصول نهایی یا پیام‌های تولید شده، بر فرایند تولید پیام‌ها با مضمون اجتماعی متن سند چشم‌انداز تأکید شود. در نهایت اینکه، ضمن بسامدشماری واژگان و مؤلفه‌های فرهنگی مرتبط با قدرت نرم در سند چشم‌انداز (روش استقرایی)، از روش قیاسی برای تحلیل بقیه متن استفاده شود. در همین راستا، ارائه تعاریفی صحیح و آشکار از موضوع، ارائه مثال‌ها (مصادق‌ها) و نمونه‌ها مربوط به مرحله قیاسی است.

فرضیه مطرح در مقاله به این شرح می‌باشد که در سند چشم‌انداز، منابع متعددی برای افزایش قدرت نرم برای جامعه ایرانی در افق ۱۴۰۴ وجود دارد که در میان آنها، منابع فرهنگی نیز با توجه به بنیان فرهنگی - هویتی جمهوری اسلامی ایران از برجستگی زیادی برخوردار است.

مدخل مفهومی و نظری پژوهش

قدرت نرم

یک راه مهم برای کسب حمایت بین‌المللی، داشتن ارزش‌های سیاسی، فرهنگی و سیاست خارجی این است که از نظر دیگر کشورها مشروع بوده و اعتبار اخلاقی داشته باشد. در واقع برای اعمال نفوذ بر دیگران، به جای تکیه بر هویج و چماق، این توانایی یک کشور برای غلبه بر قلب‌ها و ذهن‌هاست که دارای اهمیتی

تعیین کننده است. (یاسوشی و کانل، ۱۳۸۹: ۴۲؛ Nye, 1990) نرم‌افزارگرایی قدرت، گفتمانی تازه را شکل می‌دهد که در قالب آن نیز قدرت، منابع قدرت و حتی ابزارهای اعمال قدرت مورد بازخوانی و بازتولید واقع شده و در نتیجه، چهره‌های تازه از قدرت مطرح می‌شود. (افتخاری، ۱۳۸۹: ب: ۷) چنین بینشی بر ایجاد تغییر در ماهیت و اشکال قدرت و ارتقاء تأثیرگذاری قدرت نرم بر قدرت سخت مؤثر بوده است. کشورهایی که به شکلی ماهرانه از ابزارهای فرهنگ، تمدن، تاریخ و جغرافیای خویش برای تحت تأثیر قرار دادن دیگران استفاده کرده‌اند، در صحنه سیاست ملی و جهانی اقتداری به مراتب ماندگارتر و مؤثرتر یافته‌اند. (شعبانی سارویی، ۱۳۹۲: ۸۰)

این نوع از قدرت، از طریق تولید و توزیع آموزه‌ها و ارزش‌های خاص و جذاب، بنیان‌های ارزشی و ارکان حمایتی، کشور مقابل را هدف قرار داده و آن را در راستای وضعیت مطلوب خویش تغییر می‌دهد. این‌گونه تغییرات، معمولاً از طریق زیرساخت‌های ارزشی و شبکه‌های تولید و توزیع اندیشه‌ها و هنجارها، خصوصاً حوزه‌های آموزشی، فرهنگی و رسانه‌ای آغاز می‌شود. (عیوضی و پارسا، ۱۳۹۲: ۱۰۲) به همین دلیل است که «واگنر» مدعی می‌شود:

استراتژی قدرت سخت می‌تواند در حد ایده‌آل آن شامل مداخله نظامی، دیپلماسی اجبارآمیز و فرامین لازم‌الاجرای اقتصادی باشد، در حالی که استراتژی قدرت نرم تأکید بر ارزش‌های مشترک سیاسی، مقاصد صلح‌آمیز برای مدیریت مناقشات و همکاری‌های اقتصادی برای رسیدن به راه حل‌های مشترک خواهد بود. (چگنی زاده و سیفی، ۱۳۹۱: ۲۱۰)

قدرت نرم توانایی شکل دادن به ترجیحات و اولویت‌های دیگران با مقوله‌های نامحسوس و ناملموس و سیاست‌های جذاب است که مشروع و اخلاقی تلقی می‌گردند. (بیگدلو و مرادیان، ۱۳۹۱: ۹۸) ایدئولوژی، اعتبار ملی، روحیه ملی، خصوصیات ملی، هویت ملی، ساختار حکومت، موقعیت جغرافیایی، مشروعیت نظام سیاسی و غیره از جمله موضوعاتی هستند که در چارچوب قدرت نرم مورد توجه قرار می‌گیرند. (Ikenberry, 2011: 65)

با این اوصاف، قدرت نرم هر کشوری برآمده از یک دوره تاریخی طولانی مدت و سنت فرهنگی می‌باشد و این در حالی است که هر فرهنگ در مسیر خاصی توسعه می‌یابد که بر قدرت نرم تأثیر می‌گذارد. قدرت نرم، یک قدرت غیرقابل لمس است و تنها زمانی که همسو با جریان اصلی زمانه باشد توسعه خواهد یافت؛ به خصوص در جامعه مدرن، قدرت رابطه نزدیکی با پیشرفت فناوری و علمی جامعه اطلاعاتی و اقتصاد دانش پایه دارد. بنابراین جوهره قدرت نرم به گونه‌ای است که قابلیت انطباق با شرایط سازوکارهای نوین را دارد و به واسطه استفاده از فناوری‌های جدید می‌تواند ضریب دستیابی به اهداف را افزایش دهد. (بیگدلو، ۱۳۹۱: ۱۳۰)

قدرت نرم ناظر بر افکار عمومی است. به تعبیر جوزف نای، قدرت نرم ناظر بر اذهان عمومی بازیگران بوده، به طریقی که اولویت‌ها و سلايق آنها را به نفع نتایج مطلوب بازیگر رقیب تغییر می‌دهد. از این طریق، نوع آن از جنس اقتناع و ناظر بر جاذبه است؛ به این معنا که در قالب نیروی جاذبه منجر به مشارکت توأم با رضایت می‌گردد. (آقامهدوی و باب اناری، ۱۳۹۰: ۱۷۱)

فرهنگ و قدرت نرم؛ ماهیت فرهنگی قدرت نرم

فرهنگ در معنای وسیع خود تمام جلوه‌های مادی و غیرمادی زندگی اجتماعی را دربر می‌گیرد و انسان در طول زندگی اجتماعی از فرهنگ متأثر می‌شود. (افتخاری، ۱۳۸۹ الف: ۲۸) فرهنگ در هر جامعه‌ای روش زندگی گروهی از مردم می‌باشد که در برگزیده الگوهای رایج تفکر و رفتار است. به تعبیر «کلاکھون»، فرهنگ از الگوهای صریح و ضمنی رفتارهای حال و آینده تشکیل می‌گردد که قابلیت انتقال دارند. (یزدانی و شیخون، ۱۳۹۱: ۹۸) با این اوصاف، اگر کشوری دارای فرهنگ قوی و جاذبه بالایی باشد، می‌تواند در لوی آن به مطلوب خود برسد و دیگران را جذب کند.

قدرت نرم که گاهی آن را قدرت هنجاری، انگاره‌ای و عقیدتی می‌نامند، بر فرهنگ و ارزش‌ها تکیه دارد و فرهنگ نیز جهت‌دهنده ذهن و رفتار، در همه حوزه‌های اجتماعی است. می‌توان گفت، نظم اجتماعی از طریق فرهنگ ساخته یا بازتولید می‌شود و یا مورد مخالفت قرار می‌گیرد. (جعفری پناه و میراحمدی، ۱۳۹۱: ۱۰۷)

فرهنگ شامل دو بعد ارزشی و علمی می‌گردد؛ بعد ارزشی آن باید به نحوی باشد که برای دیگران دارای جذابیت بوده و این جذابیت‌ها ممکن است از راه فیلم، موسیقی، آداب و رسوم، تبلیغات، هنر و ادبیات به دست آید و در بعد علمی، دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقی مطرح می‌شوند. این ابعاد جزو قدرت نرم‌افزاری کشورها محسوب می‌شوند. (پوراحمدی و جعفری پناه، ۱۳۹۱ الف: ۱۴) بنابراین منابع قدرت نرم بیشتر در قالب کیفیت‌های ذاتی در فرهنگ، اجتماع و حوزه‌های رفتاری و نیز نظام تعاملی ارتباطات جلوه‌گر می‌شود که مهم‌ترین آنها شامل اعتبار، سابقه تاریخی، فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی، دین و ایدئولوژی، ارزش‌های اخلاقی، ارزش‌های سیاسی، مقبولیت و مشروعیت مردمی، دیپلماسی عمومی و غیره است. (صبوری، ۱۳۹۰: ۴۰)

منابع فرهنگی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴

مداقه در سند چشم‌انداز نشان‌دهنده گستره مؤلفه‌های فرهنگی در متن این سند می‌باشد و جامعه ایرانی ترسیم شده در افق ۱۴۰۴ یک جامعه «توسعه یافته متناسب با مقتضیات فرهنگی» (اصل اول چشم‌انداز) است که «هویت اسلامی» (مقدمه چشم‌انداز) در آن هویدا می‌باشد. در عین حال، توسعه پایدار در متن سند چشم‌انداز بیست‌ساله «متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی» (اصل اول چشم‌انداز) می‌باشد و اهمیت فرهنگ در این سند به حدی است که «جامعه اخلاقی» منبعث از فرهنگ اسلامی یکی از مؤلفه‌های «الهام‌بخشی» جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام (اصل هفتم چشم‌انداز) ذکر شده است. با این اوصاف برخی از منابع فرهنگی قدرت نرم در چشم‌انداز عبارتند از:

اول. منابع فرهنگی قدرت نرم در سطح ملی**۱. هویت اسلامی و انقلابی**

هویت، تلقی از خود یا خودآگاهی فردی و جمعی است و آنگاه که در برابر دیگری و دیگران ترسیم می‌شود،

نوعی احساس پابندی، دلبستگی و تعهد اجتماعی به وجود می‌آورد. از این رو، دولت‌ها درصدد تحکیم بنیان‌های معرفتی و هویتی فرهنگ خود (هویت ملی) و تعمیم ارزش‌ها (هویت ارزشی) و نگرش‌های تولید شده به فراسوی مرزهای جغرافیایی خود هستند تا قدرت نرم را در کنار قدرت سیاسی و نظامی همراه نمایند و افکار عمومی جهانیان را در راستای منافع خود هم‌سو نمایند و به همین دلیل، هویت یکی از عوامل ایجاد و تقویت کننده قدرت نرم کشورها محسوب می‌شود. (هرسیچ و توپسرکانی، ۱۳۸۹: ۱۷۴ - ۱۷۳)

هر ایدئولوژی و نظام سیاسی‌ای باید از قابلیت لازم برای تعمیم قالب‌های هویتی و هنجاری برخوردار باشد و یکی از اولین نشانه‌های گفتمانی انقلاب اسلامی را می‌توان انسجام هویتی آن دانست که قدرت نرم ایران در سطح منطقه را به همراه داشته است. (Aghaie, 2001: 25) پس، هویت‌گرایی یکی از اصلی‌ترین نشانه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود و در ارتباط با مؤلفه‌هایی مانند انسجام ایدئولوژیک و راهبردی کشور نقش تأثیرگذار و تعیین‌کننده‌ای دارد و در سطح منطقه، با مؤلفه‌های اعتقادی و تمدنی شهروندان پیوند می‌یابد. (متقی و رشاد، ۱۳۹۰: ۱۳۱)

اسلام، انتظار منجی، برخورداری از ارزش‌های جهانی، مردم سالاری دینی، فرهنگ شهادت، عدالت، استقلال و آزادی از منابع هویت فرهنگ اسلامی - ایرانی است. در نقطه مقابل نیز زبان، جغرافیای فرهنگی، تاریخ و حافظه تاریخی، نظام اجتماعی و ... از مؤلفه‌های ایرانیت هویت فرهنگی ایرانی است که همه این مؤلفه‌ها در راستای تولید قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران مؤثر هستند و میزان توانمندی ایران را ارتقا می‌دهند. (شعبانی سارویی، ۱۳۹۲: ۹۱ - ۹۰) در سند چشم‌انداز، «هویت اسلامی و انقلابی» (مقدمه سند چشم‌انداز) یکی از ویژگی‌های مهم جامعه ایرانی در افق ۱۴۰۴ می‌باشد و هویت اسلامی - ایرانی در جای‌جای سند موج می‌زند.

اصول اخلاقی، مردم سالاری، عدالت اجتماعی، حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها، خانواده مستحکم، جامعه اخلاقی، نواندیشی و پویایی فکری، ایثارگر و مؤمن، برخوردار از وجدان کاری، دوری از فقر و فساد و تبعیض، آزادی‌های مشروع، نشان دهنده تعمیق هویت اسلامی در سند چشم‌انداز است. در عین حال، مؤلفه‌هایی نظیر فعال و مسئولیت‌پذیر، رضایت‌مند، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران، ارزش‌های ملی، فرهنگ، جغرافیا و تاریخ، بهره‌مندی از امنیت اجتماعی، پیوستگی مردم و حکومت، روحیه تعاون و سازگاری و ... بخشی از مؤلفه‌های هویت ایرانی هستند که مجموع این مؤلفه‌ها می‌توانند قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را ارتقا بخشند؛ زیرا توانمندی قدرت ملی و انسجام و همگرایی ملی را وسعت می‌بخشند و بر میزان امنیت فرهنگی - اجتماعی در نظام سیاسی می‌افزایند و در عین حال، مشارکت و به تبع آن نیز مشروعیت نظام سیاسی را صیانت می‌کنند.

۲. ارزش‌های اسلامی

به تعبیر جوزف نای، هر یک از نظام‌های سیاسی که بتوانند ارزش‌های مشترک را ایجاد و از آنها حفاظت کنند، توانایی دست یافتن به نتایج مطلوب را افزایش می‌دهند (Nye, 1999: 17) و در عین حال،

ارزش‌های یک کشور در بعد داخلی و خارجی می‌تواند قدرت نرم یک کشور را افزایش دهد. (بیکی، ۱۳۸۹: ۵۹) در همین راستا، یکی از بنیان‌های محکم قدرت نرم اسلامی، اسلام ناب محمدی و ارزش‌های والای آن می‌باشد. به عبارتی، منابع قدرت نرم از منظر اسلام عمدتاً دین و ارزش‌های اسلامی می‌باشد. بنیادهای ایمانی، اعتقادی و مشارکتی قدرت در اسلام به مراتب برجسته‌تر از ابعاد تحمیلی و اجباری آن است و همین امر سبب می‌شود که قدرت در اسلام اساساً نرم باشد و با بهره‌گیری از چنین منابعی، بیشترین اعمال اراده از طریق جذابیت صورت می‌گیرد. (عیوضی و امامی، ۱۳۹۰: ۱۱۵) در این میان، تأکید بر ارزش‌های اسلامی مثل خدامحوری، اخلاق‌محوری، اجرای عدالت و ولایت‌پذیری که ریشه در فطرت پاک آدمی دارد، از مؤلفه‌های اساسی قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌آید. نظام اسلامی ایران کوشیده است با به کارگیری و رعایت حداکثری ارزش‌های اسلامی، جایگاه و اقتدار خود را در داخل و سطح بین‌الملل ارتقا دهد. البته اسلام و ارزش‌های والای آن به منزله یک نیروی هماهنگ‌کننده، وحدت‌بخش و تقویت‌کننده روحیه مردم مطرح می‌باشد که با اهتمام به نقش مردم در امر حکومت، از مردم نیرویی قدرتمند ساخته است که حافظ کشورشان باشند. (جعفری پناه و میراحمدی، ۱۳۹۱: ۱۱۶ - ۱۱۵)

با بررسی سند چشم‌انداز می‌توان به کثرت فراوانی ارزش‌های اسلامی و اصول مستخرج از دین مبین اسلام پی برد. مواردی نظیر ایمان، آرمان‌ها، هویت اسلامی، اتکال به قدرت لایزال الهی (اصول مندرج در مقدمه چشم‌انداز)، متکی بودن بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، عدالت، آزادی‌های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها (اصول مندرج در بند اول سند چشم‌انداز)، فعال، مسئولیت‌پذیر، ایشارگر، مؤمن، رضایت‌مند، برخوردار از وجدان کاری، روحیه تعاون، متعهد به نظام اسلامی (اصول مندرج در بند پنجم سند چشم‌انداز) و غیره، نشان دهنده اهمیت ارزش‌های اسلامی برای جامعه ایرانی در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی می‌باشد که هر کدام از این ارزش‌ها می‌توانند تقویت‌کننده قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در سطح ملی باشند که به تبع آن، قدرت نرم ایران در سطح منطقه و جهان اسلام را به همراه خواهد داشت. این ارزش‌ها می‌توانند بر میزان اعتبار دولت، افزایش مشروعیت و کارآمدی، افزایش سطح مشارکت و همبستگی ملی، همراهی شهروندان در تمامی زمینه‌های سیاسی، اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی، تقویت عزم ملی و غیره تأثیر ایجابی بگذارند و قدرت ملی جامعه ایرانی را ارتقا بخشند.

۳. جامعه اخلاقی

پیامبران در راستای اهداف خویش کوشیدند تا مردم را به جامعه نمونه و اخلاقی تبدیل کنند. (افتخاری و ریاضی، ۱۳۹۰: ۴۶) در اسلام نیز سیاست و اخلاق در طول هم قرار دارند و اخلاق به سیاست مشروعیت می‌بخشد و در عین حال، مهم‌ترین منبع قدرت در اسلام محسوب می‌شود. رعایت اصول اخلاقی در جامعه، تابع مبانی خاصی نظیر مروت، راستی، شرافت و وفا می‌باشد که به طور مطلق غیر قابل تبدیل است. با ایجاد

جامعه اخلاقی، امنیت و عدالت در جامعه حاکم می‌شود و این امر به کسب اعتماد مردم و جلب رضایت آنان می‌انجامد. در چنین جامعه‌ای مردم تحت تأثیر توطئه‌های دشمنان قرار نمی‌گیرند و همدلی، اعتماد و تعامل بین آنها بیشتر می‌شود و عناصر اتحاد و همدلی در داخل کشور از نفوذ بیگانگان جلوگیری می‌کند. اخلاق اجتماعی موجب تقویت و ترویج اخلاق در جامعه و نظم‌پذیری اجتماعی می‌گردد و فایده اصلی آن، وحدت است که منجر به پیروزی و افزایش قدرت نرم کشور اسلامی و تضعیف قدرت دشمنان می‌گردد.

اخلاق سیاسی زمینه‌های بصیرت درباره شرایط زمانه و موضع‌گیری صحیح مردم و حاکمان در قبال جریان‌های مخالف را فراهم می‌آورد. (پوراحمدی و جعفری پناه، ۱۳۹۱ ب: ۱۵۳ - ۱۵۰) در عین حال، اخلاق سیاسی موجب تقویت حمایت مردم از نظام سیاسی می‌گردد که همین امر، تقویت‌کننده سرمایه‌های اجتماعی، مشروعیت، اعتماد متقابل مردم و حکومت و کارآمدی نظام خواهد شد که همین مؤلفه‌ها خواهند توانست از روحیه یأس و ناامیدی، بی‌اعتمادی و مشروعیت‌زدایی دشمنان بکاهند و کشور را در برابر تهدیدات خزنده نرم واکسینه کنند.

در اصل اول سند چشم‌انداز آورده شده است که «جامعه ایرانی در افق این چشم‌انداز چنین ویژگی‌هایی خواهد داشت؛ توسعه یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود و متکی بر اصول اخلاقی». جامعه اخلاقی در سند چشم‌انداز با مؤلفه‌هایی نظیر؛ اصول اخلاقی، مردم‌سالاری دینی، عدالت، بهره‌مندی از امنیت اجتماعی و قضایی (اصول بند اول سند چشم‌انداز)، نهاد مستحکم خانواده، به دور از فساد و تبعیض (اصول بند چهارم سند چشم‌انداز) و غیره خواهد بود و ویژگی‌های جامعه اخلاقی ایرانی در افق ۱۴۰۴ عبارت خواهد بود از: «فعال، مسئولیت‌پذیر، ایثارگر، مؤمن، رضایت‌مند، برخوردار از وجدان کاری، انضباط، روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی». (اصل پنجم سند چشم‌انداز) جامعه اخلاقی به حدی در افق ۱۴۰۴ مهم است که در بند هفتم سند چشم‌انداز به عنوان یکی از مؤلفه‌های الهام‌بخشی جمهوری اسلامی ایران از آن یاد شده است. بنابراین، جامعه اخلاقی تولید‌کننده قدرت نرم در سطح ملی و تقویت‌کننده قدرت نرم در سطح بین‌المللی برای ایران خواهد بود.

در سطح ملی، جامعه اخلاقی با ایجاد روحیه سازگاری و تعاون، کاهش فساد سیاسی و اقتصادی، افزایش همگرایی قومیت‌ها، تقریب مذاهب، کاهش آسیب‌های اجتماعی و اخلاقی، افزایش سطح اعتماد عمومی و مسائلی از این دست بر بازتولید قدرت نرم کمک می‌کند و در سطح بین‌المللی با هژمونیک کردن الگوی جمهوری اسلامی ایران پیرامون سبک زندگی، می‌تواند صادرکننده ارزش‌های ایران باشد و از این طریق، افکار عمومی بین‌المللی و کشورهای منطقه و جهان اسلام را با توجه به ریشه‌های مشترک عقیدتی و فرهنگی به کشور ایران نزدیک کند و به این وسیله، همگرایی کشورهای منطقه با سیاست‌های ایران را فراهم می‌آورد.

۴. نهاد مستحکم خانواده

کارکرد نهاد خانواده در میان سایر نهادهای اجتماعی در رفتار و هویت‌سازی به طور برجسته‌ای اثرگذار و دارای نقش بی‌بدیل یا کم‌بديل است. نهاد خانواده در جامعه اسلامی و ایرانی مقوم هویت و قدرت اجتماعی می‌باشد. (قصری و دوستدار، ۱۳۸۸: ۷۲) در اصل چهارم چشم‌انداز بر برخورداری از «نهاد مستحکم خانواده» تأکید شده است و در عین حال، مقدمه سند چشم‌انداز به حرکت در مسیر تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی تأکید شده است و در این میان، خانواده در قانون اساسی به عنوان «واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان» (قانون اساسی، ۱۳۸۷: ۲۱) معرفی شده است که دولت موظف به «حفظ کیان و بقای خانواده» (اصل بیست و یکم قانون اساسی) است و در اصل دهم قانون اساسی این چنین آمده است:

از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت «آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.

با این اوصاف، حفظ و تقویت خانواده یکی از اصول و آرمان‌های قانون اساسی است که در سند چشم‌انداز هم تأکید شده است و این تحکیم و استحکام نهاد خانواده می‌تواند پایه‌های نظام سیاسی را تقویت کند و به درونی کردن ارزش‌ها، ایجاد امنیت و قدرت اجتماعی، تقویت فرهنگ بومی جامعه، حفظ سبک زندگی اسلامی - ایرانی، تحکیم جامعه اخلاقی، رواج اصول اخلاقی، حفظ الگوها و اسوه‌های ملی و مذهبی و غیره کمک کند. این عوامل، قدرت نرم را در سطح ملی افزایش می‌دهد؛ زیرا زمینه‌های تقویت ارکان قدرت نرم در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی را فراهم می‌آورد.

۵. اسوه‌ها و الگوها

اسوه و الگوها در مرحله اول و الگوپردازی در مرحله دوم در بازتولید قدرت نرم مؤثر هستند. در این مرحله، اعمال کننده قدرت نرم باید بتواند خود را به عنوان مظهر انگاره‌های مطلوب معرفی کند تا تابعان را به دنباله‌روی از خود ترغیب کند. این برتری‌ها در ذهن تابعان می‌تواند این احساس را به وجود آورد که مسیر درست رسیدن به موفقیت، مسیری است که الگوپرداز طی کرده است؛ لذا اعمال کننده قدرت در اینجا در جایگاه الگویی قرار می‌گیرد که کنش مورد نظر وی، در اصل عمل به توصیه او برای قرار گرفتن در مسیر موفقیت قلمداد می‌شود. (عیوضی و امامی، ۱۳۹۰: ۱۱۹ - ۱۱۸) از منظری دیگر، الگوها و اسوه‌ها در تاریخ یک ملت محکم‌ترین رشته‌هایی هستند که تداوم فرهنگی یک جامعه را تضمین و پایه محکمی برای هویت فرهنگی یک قوم یا جامعه به وجود می‌آورند و اولین ماده همبستگی فرهنگی - اجتماعی را تشکیل می‌دهند. (عسگری، ۱۳۹۰: ۲۱۲) در این میان، ویژگی‌های منحصر به فرد امام خمینی علیه السلام، او را به عنوان الگویی بی‌نظیر و توانمند تبدیل کرده است که پیروی از سیره و اندیشه‌های ایشان می‌تواند هادی و راهنمای ملت در

پیشبرد نظام سیاسی و رسیدن به تعالی و رشد مادی و معنوی باشد. با توجه به این مهم، سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران در اصل هفتم بر تبعیت برنامه‌ها و سیاست‌های اتخاذی ایران از اندیشه‌های امام خمینی علیه السلام به مثابه الگوی مناسب در مسیر توسعه و کارآمدی تأکید کرده است.

بنابراین، رسیدن به جامعه اخلاق‌گرا و ارزشی در سند چشم‌انداز نیازمند الگوی مناسبی است و این الگو در قرآن کریم، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. پیروی و تبعیت از این اسوه، زمینه‌های برطرف کردن نقص و کاستی در جامعه، ایجاد احساس آرامش و امنیت، عینیت بخشیدن به جامعه اخلاقی، تحول بخشیدن رفتار جمعی، تمامیت بخشیدن به کرامت‌های اخلاقی شهروندان و غیره را فراهم می‌آورد. (موسوی و قربی، ۱۳۹۲: ۱۲۸؛ دوستدار، ۱۳۸۸: ۷۳) با این اوصاف، علاوه بر سیره و اندیشه‌های امام خمینی علیه السلام، با مذاقه در سند چشم‌انداز می‌توانیم به ویژگی‌های «الگوی انسان کامل اسلامی در جامعه ایرانی» پی ببریم که الگوگیری از ویژگی‌های پیامبر اسلام و معصومین می‌باشد که دارای شاخص‌ها و مؤلفه‌های چندی نظیر «فعال، مسئولیت‌پذیر، ایشارگر، مؤمن، رضایت‌مند، برخوردار از وجدان کاری، انضباط، روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به نظام اسلامی» (اصل پنجم سند چشم‌انداز) می‌باشد. این ویژگی‌ها به مثابه الگوی پیشنهادی سند چشم‌انداز به افراد و جامعه ایرانی در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی است که می‌تواند تولید کننده قدرت نرم و ارتقاءدهنده به آن باشد؛ زیرا زمینه‌های همبستگی اجتماعی، کاهش منازعات قومی، افزایش سطح مشارکت اجتماعی، تعمیق پیوندهای مذهبی، قانون‌گرایی و نظم عمومی، وابستگی به نظام سیاسی، پویایی و تحرک را فراهم می‌آورد.

۶. علم و دانش

ارزش کسب علم در تمدن و فرهنگ اسلامی هنگامی است که با معنویت همراه باشد. پیشرفت علمی، زمینه‌ساز توسعه اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است و امروزه بر خلاف گذشته، کشوری قوی‌تر است که از لحاظ تولید علم قدرتمندتر باشد و صرفاً داشتن منابع اولیه و جمعیت یا مساحت سرزمین باعث قدرتمندی یک کشور نمی‌شود. امروزه سلاح اصلی کشورها و زبان رقابت آنها دانش است که در هیچ محدوده جغرافیایی محدود نمی‌شود. در نتیجه، دانش و تولید علم، بیانگر قدرت نرم‌افزاری یک کشور است.

(جعفری‌پناه و میراحمدی، ۱۳۹۱: ۱۱۰)

علم و دانش به عنوان پدیده فرهنگی و اجتماعی که از شرایط محیطی مؤثر است و به نوبه خود بر آنها تأثیر می‌گذارد، از مهم‌ترین منابع قدرت نرم در عرصه بین‌المللی محسوب می‌شود. از منظر صاحب‌نظران، نوآوری‌های فناورانه بر ثروت، قدرت، الگوهای فرهنگی و سیاست خارجی اثر می‌گذارد. انقلاب اطلاعاتی و ارتباطی یکی از مهم‌ترین منابع قدرت نرم است که قواعد بازی را در نظام اقتصاد سیاسی جهانی متحول ساخته است و بر حوزه زندگی اجتماعی انسان‌ها و ساختار سیاسی و اقتصادی تأثیر گذاشته است. (آدمی و

ذوالفقاری، ۱۳۹۱: ۲۶)

توانایی تولید دانش، تربیت منابع انسانی ماهر و فناوری برای تحقق اهداف مربوطه به قدرت علمی اشاره دارد و شاخص‌های سنجش قدرت علمی و فناوری شامل مواردی نظیر تولید دانش، ثبت مقالات در نشریات معتبر بین‌المللی، تربیت نیروی انسانی ماهر در حوزه‌های علمی و فن آوری همانند نانو تکنولوژی، بیوتکنولوژی و ... می‌شود. (قربی، ۱۳۹۲: ۵۵)

قدرت علمی و توانمندی در حوزه دانش و علم می‌تواند ضریب تأثیر قدرت نرم‌افزاری را افزایش دهد و با تولید جذابیت و وابستگی می‌تواند دامنه نفوذ را وسعت بخشد. در سند چشم‌انداز به کرات بر اهمیت علم و دستیابی به علوم کاربردی تأکید شده است. به عنوان نمونه، در اصل دوم چشم‌انداز به «برخوردار از دانش پیشرفته» و «توانا در تولید علم و فناوری» تأکید شده است که در پرتو این امور، جامعه ایرانی باید در افق ۱۴۰۴ به جایگاه اول علمی در منطقه تبدیل شود و در این مسیر باید «جنبش نرم‌افزاری و تولید علم» (اصل هفتم) مورد توجه قرار گیرد. چنین عملکردی می‌تواند قدرت نرم ایران را افزایش دهد؛ زیرا توانمندی علمی زمینه‌های وابستگی را کاهش می‌دهد و استقلال و خودکفایی را تضمین می‌کند و در عین حال، در روابط بین‌المللی موقعیت و جایگاه کشور را ارتقا می‌دهد و می‌تواند به عنوان یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر دیپلماسی کشور در منطقه و جهان اسلام عمل کند.

دوم. منابع فرهنگی قدرت نرم در سطح بین‌المللی

۱. هنجارسازی در سطح منطقه و جهان اسلام

یکی از شاخص‌های اصلی هژمونی و قدرت نرم را می‌توان هنجارسازی دانست. به طور کلی، کشورهای منطقه‌ای از قابلیت لازم برای تولید چنین هنجارهایی برخوردارند. به کارگیری واژه‌هایی همانند عدالت‌گرایی را می‌توان در زمره مؤلفه‌های هنجارهای دانست. هر کشوری که بتواند هنجارهای سیاسی و فرهنگی خود را به حوزه منطقه‌ای و بین‌المللی منتقل نماید، از جایگاه تأثیرگذار برخوردار می‌شود. هنجارها را می‌توان در زمره نشانه‌های قدرت تأسیسی و نرم‌افزاری دانست. از سوی دیگر باید تأکید داشت که در دنیای امروز، اگر فرهنگ کشوری بتواند سامانه فکری جدید، منطقی و سنجیده مطرح کند، در آن شرایط می‌تواند به دستاوردهای مهم و مؤثر نائل گردد. بسیاری از شاخص‌ها و مؤلفه‌های فرهنگی نقش مؤثری در چگونگی تعامل کشورها در حوزه‌های مختلف ایفا می‌کند؛ بنابراین، امروزه کشورها و به ویژه واحدهای توسعه یافته در تلاش هستند تا ارزش‌ها، هنجارها و حتی زبان خود را که نماد فرهنگ است، بر دیگران تحمیل کنند. آنان می‌دانند که چیرگی و حضور فرهنگ در یک کشور، منافع مادی و معنوی بسیاری را در پی می‌آورد. (رشاد، ۱۳۹۰: ۱۸۳ - ۱۸۱)

نگرشی در متن سند چشم‌انداز نشان می‌دهد که راهبرد الهام‌بخشی جمهوری اسلامی ایران و نفوذ فرهنگی در کشورهای دیگر، به وسیله ابزارهای نرم صورت می‌پذیرد. یکی از این ابزارها که تولید کننده قدرت نرم برای جامعه ایرانی در افق ۱۴۰۴ نیز می‌باشد، هنجارسازی است که در اصل «الهام‌بخش، فعال و

مؤثر در جهان اسلام با تحکیم ... نواندیشی و پویایی فکری» (اصل هفتم چشم‌انداز) به این مسئله اشاره شده است؛ زیرا این اصل بر الهام‌بخشی فعال و مؤثر در جهان اسلام تأکید دارد که در پرتو سیاست‌هایی نظیر نواندیشی و پویایی فکری قابل تحصیل است. پویایی فکری جامعه ایرانی در افق ۱۴۰۴ می‌تواند همراه با ارائه هنجارها و آرمان‌های جمهوری اسلامی ایران به کشورهای منطقه و جهان اسلام همراه باشد و در عین حال، ارزش‌های سیاسی جمهوری اسلامی ایران را در کشورهای مشترک المنافع درونی سازد.

روابط هنجاری، هنجارسازی، نواندیشی و پویایی فکری از منابع فرهنگی قدرت در گفتمان قدرت نرم محسوب می‌شوند؛ زیرا با هویتی کاملاً عینی و واقعی به قدرت‌سازی مبادرت می‌ورزند و در عین حال، سایر منابع قدرت را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند. (افتخاری، ۱۳۸۹ ب: ۱۰) البته چنین عملکردی در سند چشم‌انداز بیست ساله با تقویت نگرش مثبت افکار عمومی کشورهای منطقه نسبت به جمهوری اسلامی ایران از طریق تولید، اشاعه و نواندیشی هنجارها و با استفاده از دیپلماسی فعال رسمی و غیررسمی صورت می‌پذیرد. (اکرمی نیا، ۱۳۹۲: ۵۶) از این رو، کشورها و علی‌الخصوص جمهوری اسلامی ایران که دارای پیام (معناسازی، نواندیشی و پویایی فکری) در عرصه بین‌المللی هستند، می‌توانند دیگران را مخاطب خود سازند و در عین حال، هنجارهای داخلی خویش را حفظ می‌نمایند. (موسوی و قربی، ۱۳۹۲: ۱۲۷)

به عبارتی، هنجارسازی به وسیله نواندیشی در عرصه سیاست خارجی و سطح جهان اسلام می‌تواند زمینه‌های اقتدار جمهوری اسلامی ایران، صدور ارزش‌ها و آرمان‌های اسلامی - ایرانی، هم‌سویی افکار عمومی بین‌المللی، صیانت از ارزش‌های ملی - میهنی، تولید ارزش‌ها و حفظ آنها و غیره را فراهم آورد که هر کدام از آنها از زیربناهای تشکیل قدرت نرم محسوب می‌شوند. گفتمان مقاومت و ظلم‌ستیزی و عدالت‌گرایی، نمونه‌هایی از نواندیشی‌های جمهوری اسلامی ایران هستند که با تولید هنجار در سطح منطقه بر توانمندی ایران افزوده‌اند.

۲. هنجارسازی و افزایش عمق راهبردی جمهوری اسلامی ایران

تلاش در راستای اشاعه ارزش‌های اسلامی و نیز دفاع از مسلمانان که به مثابه رویکردی آگاهانه در سیاست خارجی و دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران پیگیری می‌شود و پیامدهای آن مانند گسترش بیداری اسلامی به نوبه خود باعث بالا رفتن ضریب امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و نیز آسان‌تر شدن دستیابی به اهداف ملی آن می‌شود. برای تبیین بهتر این امر، می‌توان از مفهوم عمق راهبردی استفاده کرد. عمق راهبردی مفهومی است که اساساً به حوزه مطالعات امنیتی و استراتژیک مربوط است و به توان بازدارندگی یک کشور با توجه به گستره نفوذ آن اشاره دارد. این مفهوم به ترکیبی از عوامل عینی و ژئوپلیتیک و ذهنی و ایدئولوژیک اشاره دارد که باعث می‌شود رقیبان و دشمنان یک کشور، عملاً از آسیب‌رسانی جدی به امنیت و منافع آن صرف‌نظر کنند. جمهوری اسلامی ایران نیز ضمن برخورداری از مزیت‌های فراوان سرزمینی و جغرافیایی که در ترکیب با عوامل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی عمق راهبردی آن را تضمین می‌کنند، اشاعه ارزش‌ها و گسترش نفوذ

ایدئولوژیک خود در منطقه و جهان را در سیاست خارجی خود با جدیت پیگیری می‌کند. داشتن چنین رویکرد ارزشی و هنجاری نه تنها هیچ منافاتی با تأمین امنیت و منافع ملی کشور ندارد، بلکه گسترش نفوذ ایدئولوژیک، تضمین کننده امنیت و منافع ملی ایران در بلند مدت خواهد بود. از این‌رو، مجموعه هزینه‌هایی که جمهوری اسلامی ایران بر اساس اهداف و الویت‌های سیاست‌های خارجی خود در افق ۱۴۰۴ و در حوزه جهان اسلام می‌پردازد، ضمن انطباق با آرمان‌های آن، تقویت کننده عقبه استراتژیک جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود. نمونه این امر در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام، حمایت از مقاومت فلسطینیان در برابر اسرائیل است که ضمن انطباق با مصالح امت اسلامی، از طریق گسترش عمق راهبردی جمهوری اسلامی ایران، تأمین کننده قدرت نرم، امنیت و منافع ملی آن است. درباره نفوذ ایدئولوژیک یک کشور در مناطق ژئوپلیتیک، یک شاخص مهم، ارزیابی محبوبیت - به مثابه شاخص عمده در اندازه‌گیری نفوذ قدرت نرم - در کشورهای دیگر است. استقبال مردمی از مقامات بلندپایه ایرانی در کشورهای اسلامی، می‌تواند تا اندازه‌ای روشنگر جذابیت ارزش‌ها و هنجارها و نیز محبوبیت جمهوری اسلامی ایران در میان مردم مسلمان باشد. (درخشه و غفاری، ۱۳۹۰: ۴۰ - ۳۹) با بررسی سند چشم‌انداز می‌توان به این مهم دست یافت که جامعه ایرانی در افق ترسیم شده خواهان افزایش عمق راهبردی خویش در سطح منطقه جنوب غربی آسیا و جهان اسلام است و در این مسیر از مؤلفه‌هایی نظیر عدالت‌گرایی، ظلم‌ستیزی، ارائه الگوی سیاسی حکومت و ... استفاده می‌شود.

۳. الهام‌بخشی فرهنگی در سطح منطقه و جهان اسلام

جمهوری اسلامی پس از استقرار و حتی در دوره جنگ تحمیلی، قدرت خود را نه بر پایه نیروهای نظامی، انتظامی یا شبه نظامی و در خیابان‌ها، بلکه بر پایه ایمان و باور استوار کرد. پذیرش سبک زندگی مورد نظر جمهوری اسلامی ایران شکل خاصی از الهام‌بخش بودن است که می‌تواند در سطح منطقه‌ای و حتی جهان اسلام نیز اتفاق افتد. می‌توان برای الهام‌بخش بودن از ابزارهایی نظیر شبکه‌های ماهواره‌ای، اینترنت، فیلم، موسیقی و نظیر اینها بهره گرفت، اما همواره باید در نظر داشت که محتوای ابزارهای مورد استفاده با محتوای ابزارهای مورد استفاده نظام‌های غیر اسلامی متفاوت باشد. ابزارهای مورد استفاده الهام‌بخشی باید جذابیت داشته باشد و این جذابیت نباید از راه پناه بردن به جذابیت‌های تبلیغی نظام سرمایه‌داری و به طور مشخص جذابیت مصرف، جنسیت و خشونت باشد. الهام‌بخش بودن چیزی فراتر از جذابیت و تعیین دیگران است. اسلام به دنبال ایمان‌های تصنعی از راه تعیین علایق و منافع دیگران از راه ایجاد جذابیت نیست؛ زیرا در اسلام کیفیت، مقدم و ارجح از کمیت است. نظر به آنچه گفته شد می‌توان استنباط کرد که استفاده از مفهوم الهام‌بخشی در سند چشم‌انداز اتفاقی نبوده و مبتنی بر درکی صحیح از تفاوت این مفهوم با سایر مفاهیم مشابه در ادبیات روابط بین‌الملل است. مفروضاتی که منجر به انتخاب الهام‌بخشی شده‌اند، عبارتند از:

جمهوری اسلامی ایران معتقد به اعمال نفوذ و قدرت در سایر کشورهای اسلامی با توسل به هر ابزاری نمی‌باشد؛ زیرا پیام آن حق است. ارزش‌ها، فرهنگ و سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در تحلیل نهایی، ریشه در اسلام داشته و به آن وابسته‌اند و قدرت و جذابیت خود را از قدرت و جذابیت اسلام می‌گیرند؛ مسئله اصلی این نیست که پیام‌ها و شعارهای جمهوری اسلامی ایران جذابیت ندارند، بلکه نظام سلطه مانع از آن می‌شود که پیام جمهوری اسلامی ایران به مخاطبان خود برسد. اولویت اصلی، رفع این مانع و نه تلاش برای جذاب‌تر کردن پیام است؛ مقابله سخت‌افزاری جمهوری اسلامی با غرب دشوار است، به همین دلیل باید بر امکانات نرم‌افزاری خود و در رأس آنها الهام‌بخشی تکیه کند؛ امری که تحقق آن منوط به بهره‌گیری حداکثری از امکانات سخت‌افزاری نیست. جمهوری اسلامی ایران هویت و ماهیتی متمایز از نظام‌های سیاسی دیگر دارد و این تمایز باید در جهت‌گیری‌های کلان و سیاست خارجی آن نیز خود را نشان دهد. (قهرمانپور، ۱۳۸۹: ۱۶۱ - ۱۵۹)

در سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران در مقدمه و اصل هفتم بر راهبرد الهام‌بخشی تأکید شده است و الهام‌بخشی می‌تواند با ترویج ارزش‌های انقلاب اسلامی، تقویت ارزش‌های سیاسی جمهوری اسلامی ایران در سطح جهان اسلام و منطقه خاورمیانه، هم‌سو کردن افکار عمومی جهان اسلام با مطلوب‌های سیاست خارجی کشور ایران، رواج سبک زندگی اسلامی - ایرانی، تقویت گفتمان مردم‌سالاری در منطقه و مباحثی از این دست بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران بیفزاید.

نتیجه

یافته‌های مقاله نشان می‌دهند که جمهوری اسلامی ایران دارای منابع متعدد قدرت نرم در ابعاد سیاسی، فرهنگی - اجتماعی، اقتصادی، مطلوبیت‌ها و ارزش‌های سیاست خارجی و حتی علمی می‌باشد و در این میان، با توجه به ریشه‌ها و بن‌مایه فرهنگی - هویتی انقلاب اسلامی، منابع فرهنگی قدرت نرم از نقش مهم و کاربردی در توانمندی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در سطح ملی و بین‌المللی برخوردار هستند. منابع فرهنگی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران از وسعت و دامنه وسیعی برخوردار هستند و یکی از منابع شناسایی آنها، اسناد فرادستی می‌باشد. از آنجا که سند چشم‌انداز ناظر بر قدرت‌یابی ایران در سطح منطقه جنوب غربی آسیا و جهان اسلام است، یکی از ظرفیت‌های مناسب برای شناسایی منابع قدرت نرم جامعه ایرانی در افق ۱۴۰۴ می‌باشد. بررسی‌ها در سند چشم‌انداز بیست ساله نشان می‌دهد که منابع فرهنگی تأثیرگذار بر قدرت نرم ایران در سند مزبور در دو سطح ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. منابع فرهنگی تأثیرگذار بر قدرت نرم در سطح داخلی شامل مؤلفه‌هایی نظیر: جامعه اخلاقی، هویت اسلامی و انقلابی، اسوه‌ها و الگوها، نهاد مستحکم خانواده، ارزش‌های اسلامی، علم و دانش می‌باشد. این مؤلفه‌ها، در سطح داخلی منجر به افزایش اقتدار، مشروعیت، افزایش کارآمدی، حفظ وحدت و همبستگی ملی، روحیه ملی، کاهش تنش‌ها و نابسامانی‌های اجتماعی و غیره می‌شود که در نهایت، زمینه‌های تضعیف قدرت نرم را از بین خواهند برد. در عین حال، منابع

فرهنگی قدرت نرم جامعه ایرانی در افق ۱۴۰۴ شامل مؤلفه‌هایی چون: تقویت سامانه دفاعی با رویکرد فرهنگی، هنجارسازی و افزایش عمق راهبردی جمهوری اسلامی ایران و الهام‌بخشی فرهنگی می‌باشد که زمینه‌های صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی، همراهی افکار عمومی بین‌المللی و افزایش محبوبیت کشور ایران، نفوذ در ملت‌های مسلمان و نزدیکی ملت‌ها با سیاست‌های اتخاذی جمهوری اسلامی ایران را فراهم می‌آورد.

منابع و مأخذ

۱. آدمی، علی و مهدی ذوالفقاری، ۱۳۹۱، «اثرگذاری قدرت نرم در دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، بهار، شماره ۲۹.
۲. آقامهدوی، اصغر و مهدی نادری باب اناری، ۱۳۹۰، «کاربرد قدرت نرم از ناحیه استکبار؛ رویکردی قرآنی»، *فصلنامه دانش سیاسی*، سال هفتم، پاییز و زمستان، شماره ۲.
۳. افتخاری، اصغر و محمد جانی‌پور، ۱۳۹۲، «منابع قدرت نرم انقلاب اسلامی، مطالعه موردی: تحلیل وصیت‌نامه شهدای دانشگاه امام صادق (ع)»، *پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، سال سوم، زمستان، شماره ۹.
۴. افتخاری، اصغر و مهدی بیکی، ۱۳۸۹، «تأثیرات جمهوری اسلامی ایران بر لبنان»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، سال هفتم، بهار، شماره ۲۰.
۵. افتخاری، اصغر و وحید ریاضی، ۱۳۹۰، «تهدید نرم و امنیت اخلاقی؛ مطالعه موردی قوم سدوم در قرآن کریم»، *فصلنامه مطالعات قدرت نرم*، سال اول، پاییز، پیش شماره ۳.
۶. افتخاری، اصغر، ۱۳۸۹ الف، «جنگ نرم؛ رویکرد فرهنگی»، در *جنگ نرم فرهنگی، درآمدی بر نسبت امنیت و فرهنگ*، تألیف میشل سی ویلیامز، ترجمه مهدی ذوالفقاری، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ج ۱.
۷. _____، ۱۳۸۹ ب، «چهره‌های قدرت؛ گذار از سخت‌افزارگرایی به نرم‌افزارگرایی»، در *قدرت نرم ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل*، تألیف جوزف نای، ترجمه محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ج ۱.
۸. اکرمی‌نیا، محمد، ۱۳۹۲، «راهبردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دستیابی به اهداف چشم‌انداز ۱۴۰۴»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال شانزدهم، تابستان، شماره ۲ (پیاپی ۶۰).
۹. بیکی، مهدی، ۱۳۸۹، «قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران؛ مطالعه موردی لبنان»، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ج ۲.
۱۰. بیگدلو، مهدی، ۱۳۹۱، «نقش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در مقابله با جنگ نرم»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، سال نهم، زمستان، شماره ۳۱.

۱۱. بیگدلو، مهدی و محسن مرادیان، ۱۳۹۱، «ارتباط مشارکت سیاسی مردم و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، *پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، سال اول، تابستان، شماره ۳.
۱۲. پوراحمدی، حسین، ۱۳۸۹، *قدرت نرم و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، قم، بوستان کتاب، چ ۱.
۱۳. پوراحمدی، حسین و رضا عزیزی، ۱۳۹۱، «تأثیر جهانی شدن سرمایه بر جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، سال نهم، پاییز، شماره ۳۰.
۱۴. پوراحمدی، حسین و مهدی جعفری پناه الف، ۱۳۹۱، «قدرت نرم از دیدگاه اسلام و کاربرد مؤلفه‌های آن در جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات قدرت نرم*، سال دوم، تابستان، شماره ۶.
۱۵. پوراحمدی، حسین و مهدی جعفری پناه ب، ۱۳۹۱، «اخلاق به مثابه قدرت نرم با رویکرد اسلامی»، *فصلنامه علوم سیاسی*، سال پانزدهم، بهار، شماره ۵۷.
۱۶. پورحسن، ناصر، ۱۳۹۰، «مبانی دینی فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران»، *نامه دفاع*، تهران، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی، شماره ۲۶.
۱۷. جعفری پناه، مهدی و منصور میراحمدی، ۱۳۹۱، «مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران با رویکرد اسلامی»، *فصلنامه معرفت سیاسی*، سال چهارم، پاییز و زمستان، شماره ۲.
۱۸. چگنی زاده، غلامعلی و یوسف سیفی، ۱۳۹۱، «ظرفیت انگاره بین‌المللی در تولید قدرت نرم»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال چهارم، پاییز، شماره ۳.
۱۹. درخشه، جلال و مصطفی غفاری، ۱۳۹۰، «دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام»، *فصلنامه فرهنگ ارتباطات*، سال دوازدهم، زمستان، شماره ۱۶.
۲۰. رشاد، افسانه، ۱۳۹۰، «شاخص‌ها و فرایندهای قدرت نرم در فرایند سیاست خارجی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، *نامه دفاع*، تهران، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.
۲۱. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۲، *سند چشم‌انداز در افق ۱۴۰۴، ابلاغیات مقام معظم رهبری*، تهران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
۲۲. شعبانی سارویی، رمضان، ۱۳۹۲، «قدرت نرم و هویت فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات قدرت نرم*، سال سوم، پاییز و زمستان، شماره ۹.
۲۳. صبوری، ضیاء‌الدین، ۱۳۹۰، *قدرت نرم آمریکا در حوزه سیاست خارجی و امنیتی؛ مبانی، تحولات و پیامدها*، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، چ ۱.
۲۴. عسگری، محمود، ۱۳۹۰، «ریشه‌های اسطوره‌ای و حماسی فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران»، در *فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران، نامه دفاع*، تهران، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی، شماره ۲۶.

- ۲۴ □ فصلنامه علمی - پژوهشی انقلاب اسلامی، س ۱۱، پاییز ۹۳، ش ۳۸
۲۵. عیوضی، محمدرحیم و اعظم امامی، ۱۳۹۰، «فرایند تولید قدرت نرم با تأکید بر اندیشه امام خمینی (عج)»، *فصلنامه مطالعات قدرت نرم*، سال اول، پاییز، پیش شماره ۳.
۲۶. عیوضی، محمدرحیم و مونا پارسا، ۱۳۹۲، «الگوی تحلیلی قدرت نرم و سیاست بین‌الملل»، *فصلنامه مطالعات قدرت نرم*، سال سوم، پاییز و زمستان، شماره ۹.
۲۷. قربی، سید محمدجواد، ۱۳۹۲، «واکاوی مختصات قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴»، *فصلنامه عملیات روانی*، سال دهم، پاییز، شماره ۳۷.
۲۸. قصری، محمد و رضا دوستدار، ۱۳۸۸، «نگرشی مفهومی و کارکردی امنیت انسانی در چشم‌انداز ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران»، *در امنیت انسانی در غرب آسیا*، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، چ ۱.
۲۹. قهرمانپور، رحمان، ۱۳۸۹، «تقدم الهام‌بخشی بر قدرت نرم در سیاست‌های کلان ج.ا.ایران در جهان اسلام»، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال هشتم، بهار، شماره ۲۸.
۳۰. متقی، ابراهیم و افسانه رشاد، ۱۳۹۰، «نقش قدرت نرم در گسترش بیداری اسلامی خاورمیانه»، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال نهم، تابستان، شماره ۳۳.
۳۱. منصور، جهانگیر، ۱۳۸۷، *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، نشر دوران، چ ۵۹.
۳۲. موسوی، سید صدرالدین و سید محمدجواد قربی، ۱۳۹۲، «الهام‌بخشی و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴»، *دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم*، سال سوم، پاییز و زمستان، شماره ۹.
۳۳. هرسیج، حسین و مجتبی تویسرکانی، ۱۳۸۹، «تأثیر مؤلفه‌های هویت ساز ایرانی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، سال سوم، بهار، شماره ۹.
۳۴. هرسیج، حسین و دیگران، ۱۳۹۱، «تأثیر جنبش‌های اسلامی - مردمی سال ۲۰۱۱ بر منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و آمریکا در خاورمیانه»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، سال نهم، پاییز، شماره ۳۰.
۳۵. یاسوشی، واتانابه و دیوید مک کانل، ۱۳۸۹، *آموزش عالی، فرهنگ عامه و قدرت نرم*، ترجمه سید محسن روحانی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، چ ۱.
۳۶. یزدانی، عنایت‌الله و احسان شیخون، ۱۳۹۱، «قدرت نرم در سیاست خارجی آمریکا با تأکید بر پدیده فرهنگ»، *فصلنامه مطالعات قدرت نرم*، سال دوم، بهار، شماره ۵، صفحات ۱۲۰ - ۹۵.
37. Aghaie, Kamran, 2001, *Nationalism: Theory, Ideology, History*, Uk, Polity Press.
38. Ikenberry, John, 2011, "The Future of Power", *Foreign affairs*, March/April.
39. Nye, Joseph, 1990, "The Changing Nature of World Power", *Political Science Quarterly*, vol 105, No2.
40. Nye, Joseph, 1999, "Soft Power", *Foreign Policy*, Autumn, No.80.